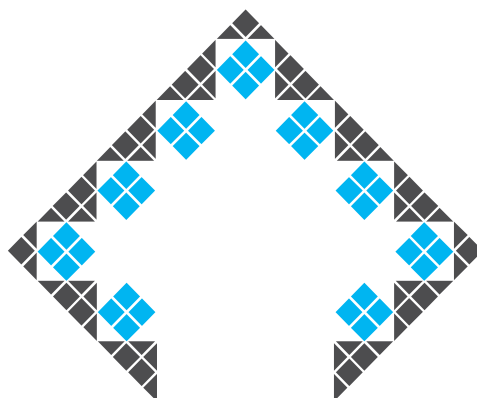




نقش ضابطان دادگستری در تحقق عدالت کیفری با چالش‌ها و راهکارها



عمار پرتوی، کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

ضابطان دادگستری در مقام انجام وظایف قانونی خود با توجه به اختیارات تقریباً وسیعی که دارند ممکن است باعث تجاوز به حقوق متهمان و شهروندان و در نتیجه آسیب به نظام عدالت کیفری شوند. کلمه ضابط برای نخستین بار در حدود ۱۱۴ سال پیش در قانون اصول محاکمات جزایی در ادبیات حقوقی وارد شد. به طور کلی ضابطین مأمورانی هستند که رأساً به موجب قانون یا تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی ذیصلاح یا دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند. آنچه در خصوص وظایف ضابطین در قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده است، عبارت از کشف کلیه جرایم، شناسایی مرتکبان جرم، جمع‌آوری دلایل و مدارک و انجام دستورات مقام قضایی است (در خصوص انجام دستورات مقام قضایی مکلف به قبول آن است و اختیاری در خصوص رد دستور ندارد). ضابطین با توجه به حوزه شغلی که دارند در معرض برخورد با حقوق عامه قرار دارند؛ لذا در خصوص بررسی و تحلیل وظایف ضابطین و نقش آن در نظام عدالت کیفری و نتیجتاً صدور آراء قضایی عادلانه ابتدا به بررسی مفاهیم و مبانی ضابطین پرداخته و به دسته‌بندی وظایف و ذکر آنان می‌پردازیم، سپس به آسیب‌ها و چالش‌هایی که در این خصوص وجود دارد اشاره می‌کنیم و در آخر راهکارهایی که تا حدودی می‌تواند در رفع این چالش‌ها راهگشا باشد بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: ضابطان دادگستری، وظایف قانونی، آسیب‌ها و چالش‌ها



درآمد

«ضابطان دادگستری» به دلیل وظایف حساسی که بر عهده آنان گذاشته شده است، از اهمیت خاصی برخوردارند و به همین دلیل، قانون‌گذار در مباحث اولیه قانون آیین دادرسی کیفری به موضوع ضابطان و وظایف آنان پرداخته است. آنچه مسلم است، اولین برخورد قانونی با جرم توسط ضابطین صورت می‌پذیرد و به عقیده متخصصان علوم جرم‌یابی، چنانچه این برخورد اولیه، توأم با دقت، هوشیاری و نکته‌سنجی نباشد سنگ بنای اولیه پرونده کیفری، کج نهاده خواهد شد و قاضی نیز که مدارک مکتوب در پرونده، بیشترین ادله او برای تصمیم‌گیری است، به سبب سستی دلایل و مدارک جمع‌آوری شده، از صدور رأی متناسب عاجز مانده و در این رهگذر، اهداف مجازات که عبارت است از تنبیه مقصر، ارباب سایرین، تشفی خاطر مجنی علیه و سایر امور، حاصل نمی‌شود و نتیجه آن، تجزّی مجرمین و یأس و دلسردی مردم نسبت به دستگاه‌های انتظامی و قضایی از یک‌سو و ایجاد چالش‌های متعدد برای دستگاه قضایی از سوی دیگر خواهد بود که اثر مستقیمی بر افکار مردم نسبت به حکومت خواهد داشت. در این مقاله تلاش می‌شود ضابطین و حدود وظایف آنها تبیین و نقش ضابطین قضایی در ایجاد چالش‌های موجود در دستگاه عدالت کیفری و راهکارهای کاهش آن بیان شود.

۱- مفهوم ضابط

ضابط در لغت به معنای نگهدارنده، حفظ‌کننده، حاکم، والی، مفتش و آنکه شهری را از جانب سلطان اداره می‌کند آمده است (معین، ۱۳۷۷: ۲۱۷۸). دادگستری در لغت به معنای اجرای

عدالت و در اصطلاح به تشکیلات قوه قضاییه گفته می‌شود. ضابط به «مأموران تفتیش و کشف جرایم و اقدامات راجع به جلوگیری متهم از فرار و اخفا شدن» گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۴۵۳). در اصطلاح حقوقی ضابطین دادگستری همان است که در قانون آیین دادرسی کیفری^(۱) تعریف شده است. به موجب ماده ۲۸ قانون مذکور «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار، علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند». آنچه در این ماده حائز اهمیت است اینکه ضابط بودن نیاز به تصریح قانونی دارد و به نظر و سلیقه اشخاص و مقامات بستگی ندارد؛ زیرا با توجه به اختیاراتی که ضابطین دارند ممکن است باعث سلب آزادی شهروندان و ورود خسارت به آنان شوند؛ بنابراین به موجب آیین‌نامه، دستورالعمل و بخشنامه نمی‌توان مأمور یا مأمورانی را ضابط دادگستری تلقی کرد.

۲- اقسام ضابط

در ماده ۲۹ و ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری انواع ضابطین دادگستری بیان شده است و آن را به دو دسته ضابطین عام و خاص تقسیم کرده است. در ماده ۲۹ قانون فوق‌الذکر آمده است: «ضابطین دادگستری عبارت‌اند از: الف: ضابطین عام شامل فرماندهان، افسران، درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند. ب: ضابطین خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل

رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ همچنین سایر نیروهای مسلح در موادی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود ضابط محسوب می‌شوند».

۲-۱ ضابط عام

ضابطین عام مأمورانی هستند که صلاحیت اقدام در کلیه جرایم به استثناء مواردی که قانون منع کرده است را دارند. فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی که آموزش لازم و مربوط را دیده باشند ضابطین عام هستند. اینان صلاحیت عام ضابطیت در مورد هر جرمی را دارند. وظایف و اختیارات آنها محدود به جرایم معین و شرایط خاص نیست. به موجب بند «الف» ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری تنها ضابط عام نیروی انتظامی است. نیروی انتظامی یا همان پلیس،^(۲) واژه‌ای فرانسوی از ریشه لاتینی^(۳) در معنای عام به مجموعه مقرراتی که برای حسن جریان امور اجتماعی از سوی قدرت عمومی وضع می‌گردد اطلاق می‌شود.

ضابطین عام افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرایم را دارند، مگر آنچه قانون منع کرده باشد (آخوندی، ۱۳۸۶: ۲۵). قانون آیین دادرسی کیفری قدیم (۱۲۹۰) در ماده ۱۹، ضابطین عام را به چهار دسته تقسیم می‌کرد:

الف: مدعی‌العموم ابتدایی و معاونان او (دادیاران)؛
ب: مستنطق (بازپرس)؛
پ: کمیسرهای پلیس (کلانتران) و قائم‌مقام آن؛



نباتات در مزارع و باغات داخل و مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی جرم است.

۲-۲-۶- مأموران سازمان حفاظت محیط زیست

به موجب مواد ۱۰-۱۴ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی، شکار و صید در ساعات ممنوعه یا با وسایل ممنوعه یا از طرق ممنوعه، از بین بردن رستنی‌ها در مناطق حفاظت شده شکار یا صید بدون پروانه، تعلیف و تخریب در پارک‌های ملی، آلوده نمودن آب رودخانه، شکار و صید با مواد منفجره یا با استفاده از وسیله نقلیه موتوری، ایجاد حریق در پارک‌های ملی و آثار طبیعی و مناطق حفاظت شده در اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی جرم محسوب شده است.

۳- بررسی و تحلیل وظایف و اختیارات ضابطین

برای بررسی و تحلیل وظایف ضابطین بهتر است وظایف آنان را به سه دسته تقسیم کنیم:

۱- وظایف ضابطین در مقابل مقام قضایی؛

۲- وظایف ضابطین در مقابل متهم، شاکی، و اطراف دعوا (شهود، وکلا)؛

۳- وظایف ضابطین در مقابل مافوق و سلسله مراتب فرماندهی.

۳-۱- ریاست بر ضابطین توسط مقام قضایی

مواد ۲۸ و ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان^(۵) را به عنوان رئیس و ناظر بر انجام وظایف ضابطین معرفی می‌کند، ماده ۳۲ مقرر داشته است: «ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است.

مأموریت‌های خود ضابط دادگستری محسوب نشده‌اند و در نتیجه چه در جرایم مشهود و چه در جرایم غیر مشهود حق هیچ‌گونه اقدامی را ندارند. در نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه شماره ۷/۳۵۳ مورخ ۶۶/۴/۷ اعلام شده است: «مأمورین وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند و با توجه به قانون تأسیس وزارت اطلاعات نمی‌توان جلب، دستگیری و سایر اقدامات قضایی را از وزارت مزبور تقاضا کرد».

۲-۲-۳- اعضای سپاه پاسداران تبصره ماده ۵ این اساسنامه بیان می‌دارد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه مأموریت‌های مذکور در موارد فوق به عنوان ضابط قوه قضاییه عمل می‌کند».

۲-۲-۴- فرمانده هواپیما^(۶)

ماده ۳۲ قانون هواپیمای کشوری مصوب ۱۳۲۸ بیان می‌دارد: «در مواردی که جنحه یا جنایات داخل یک هواپیما که بر فراز ایران پرواز می‌کند یا داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود فرمانده هواپیما مکلف است تا زمانی که مداخله مأموران صلاحیت‌دار میسر باشد طبق مقررات قانون اصول محاکمات جزایی تفتیشات، تحقیقات مقدماتی را به عمل آورده، دلایل و مدارک را جمع‌آوری و تأمین کند و در صورت لزوم می‌تواند موقتاً مظنونین به ارتکاب جرم را توقیف کند.

۲-۲-۵- مأموران جنگلبانی

طبق مواد ۴۲-۵۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، بریدن، ریشه‌کن کردن و سوزاندن نهال و درخت‌های جنگلی بدون اخذ پروانه، چرانیدن دام بدون اخذ پروانه در مراتع ملی، آتش زدن

ت: صاحبان مناصب (افسران) و رؤسای بریگاد (تیپ) ژاندارم.

این قانون از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اقتباس شده بود، ولی با اینکه قانون‌گذار فرانسوی در سال ۱۹۵۹ به لحاظ شأن بالای قضا، بازپرس و دادستان را از عداد ضابطین خارج کرده بود، قانون‌گذار ایران تا سال ۱۳۷۳ همچنان بازپرس و دادستان را جزو ضابطین قضایی می‌دانست.

۲-۲-۲- ضابطین خاص

ضابطین خاص شامل مأموران و مقاماتی می‌شوند که به موجب قانون خاص در حدود وظیفه محول شده به ویژه از لحاظ انجام وظایف موردی و یا در زمان معین که صلاحیت آنها محدود و مقید به جرایم خاص و شرایط معین است و در غیر این موارد حق دخالت و اقدام را ندارند.

۲-۲-۱- ضابطین نظامی

به موجب ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح، جرایم نظامیان به جز آن جرایمی که در مقام ضابط هستند در صلاحیت سازمان قضایی است. فعالیت ضابطین نظامی محدود به جرایم اعضای نیروهای مسلح (نظامیان) است. اختیارات و وظایف آنها همان وظایف ضابطین عام دادگستری (نیروی انتظامی) می‌باشد؛ با این تفاوت که قلمرو فعالیت ضابطین عام در مورد جرایم در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است؛ اما قلمرو فعالیت ضابطان نظامی جرایمی است که در صلاحیت دادگاه‌های نظامی می‌باشد.

۲-۲-۲- مأموران وزارت اطلاعات

با مراجعه به قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲ معلوم می‌شود هیچ‌یک از نیروهای این وزارتخانه در انجام

سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند حق نظارت دارند». از جمله مقامات قضایی مذکور در این ماده بازپرس^(۶) است که طبق ماده ۹۸ قانون مورد اشاره حق نظارت بر ضابطان را دارد. در بخش‌هایی که دادگاه و به تبع آن دادسرا وجود ندارد، رئیس حوزه قضایی بخش ریاست ضابطین را بر عهده دارد و ضابطین تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی به انجام دستورات ایشان اقدام می‌کند.

۲-۳- حدود وظایف و اختیارات ضابطین

طبق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری وظایف ضابطین عبارت‌اند از:

- ۱- کشف جرم و اعلام وقوع آن؛
- ۲- حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم؛
- ۳- شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار، اخفا و اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار متهم؛
- ۴- تحقیقات مقدماتی؛
- ۵- ابلاغ اوراق قضایی؛
- ۶- اجرای تصمیمات قضایی؛
- ۷- جلب و بازداشت متهم در جرایم مشهود و غیر مشهود؛
- ۸- اقدامات لازم به منظور حفظ آثار و دلایل جرم؛
- ۹- استماع شکایت؛
- ۱۰- سایر وظایف که در متن به صورت موردی شرح داده می‌شود.

چگونگی انجام این وظایف که عمدتاً در قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده و تحلیل و بررسی آنان مختصراً به شرح زیر است.

۱-۲-۳- کشف جرم و اعلام وقوع جرم

بند ۱ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادسرا را مقام کشف جرم می‌داند؛ بنابراین ضابطان در راستای کشف جرم تحت نظر دادستان می‌توانند اقدام کنند و از آنجا که مرحله کشف جرم در جرایم مشهود

اتفاق نمی‌افتد، می‌توان گفت ضابطین از این جهت رأساً هیچ اختیار و تکلیفی ندارند؛ مگر آنکه دادستان اموری را در این زمینه به آنها ارجاع دهد. ناگفته نماند در جرایم غیر مشهود ضابط در صورت مطلع شدن از جرمی مطابق موارد ۴۴ و ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف به اعلام وقوع جرم به مراجع قضایی می‌باشد. همچنین بند «ب» ماده ۱۰ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مأمورین وزارت مذکور را در برخی موارد ضابط محسوب که می‌توانند در امر کشف رأساً و مستقیماً عمل کنند.

۲-۲-۳- تعقیب متهم

دومین مرحله در فرایند دادرسی کیفری مرحله تعقیب متهم است که بر عهده دادسراست (بند «الف» و «ج» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب)؛ اما در جرایم مشهود به ضابطین اجازه داده شده است بدون دستور مقام قضایی امر تعقیب را به منظور حفظ آثار، علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار متهم بر عهده گیرند. اقدام مستقیم ضابط در این نوع جرایم محدود به جرایم غیر قابل گذشت است؛ زیرا در جرایم قابل گذشت هر گونه رسیدگی و اقدامی منوط به شکایت شاکی خصوصی است. نکته‌ای که ضابط در این خصوص باید رعایت کند مستنبط از ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری آن است که قبل از هرگونه اقدامی باید بر وقوع جرم اطمینان پیدا کند و دلایل و مستندات قوی برای تعقیب وجود داشته باشد. اصل برائت تنها مختص مرحله دادگاه و صدور حکم نیست بلکه شروع تعقیب هر فردی منوط به وجود و ادله کافی مبنی بر وقوع جرم و انتساب آن به اوست. همین امر

در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۵ و بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ که به تصویب مجلس رسیده تصریح گردیده است. در فرآیند جلب و بازداشت متهم گاه ضابط با محدودیت‌هایی نسبت به بعضی اشخاص دارای مصونیت و شرایط خاصی روبه‌رو است.

الف- مصونیت پارلمانی^(۷)

به موجب اصل هشتاد و ششم قانون اساسی نمایندگان مجلس در زمان اظهارنظر و اعلام رأی در حدود نمایندگی و وظایف خودشان از مصونیت برخوردارند. این مصونیت تنها مربوط به اظهارنظر و اعلام رأی است و سایر اعمال را در بر نمی‌گیرد. اظهارنظر باید در حدود وظایف قانونی باشد. به طور مثال توهین به مقدسات اسلام در زمان اظهارنظر موجب معافیت نماینده از تعقیب نیست.

ب- مصونیت قضایی

ماده ۴۲ قانون تشکیلات دادگستری اصلاحی ۱۳۳۳، تعقیب کیفری قضات را منوط به سلب مصونیت آنان در دادگاه عالی انتظامی قضات می‌داند؛ بنابراین ضابطین در مورد جرایم مشهود قضات حق اقدام ندارند و تنها باید از مقام قضایی بخواهند که با درخواست از دادگاه عالی انتظامی مصونیت کیفری او را لغو کند.

ج- مصونیت سیاسی

نمایندگان سیاسی یک کشور در صورتی که در کشور محل مأموریت خود مرتکب جرم شوند از تعقیب کیفری مصون هستند. در این خصوص ضابطین می‌بایست با جمع‌آوری دلایل وقوع جرم آنها را از طریق دادگاه به اداره حقوقی قوه قضاییه ارسال کنند تا این اداره مراتب را به وزارت امور خارجه اعلام کند.



۳-۲-۳- جلوگیری از فرار متهم

ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری به ضابطین در جرایم مشهود اختیار جلوگیری از فرار متهم را می‌دهد. جلوگیری از فرار متهم لزوماً مجوز بازداشت او نیست و تنها در صورت ضرورت می‌توان متهم را تحت نظر داشت و این اختیار نیز اختصاص به متهم دارد و شامل هر فردی که در محل وقوع جرم حضور دارد نمی‌شود. اگر اوضاع و احوال تنها راه جلوگیری از فرار را بازداشت متهم بداند، ضابطین تنها بیست و چهار ساعت حق بازداشت او را دارند و بیشتر از این مدت نیاز به دستور مقام قضایی دارد. در این خصوص بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ اعلام می‌دارد اصل منع و دستگیری افراد ایجاب می‌کند که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع قضایی ارسال شود و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار بگیرند.

۳-۲-۴- تحقیقات مقدماتی^(۸)

مهم‌ترین بخش از مرحله تحقیقات مقدماتی، بازجویی مقدماتی^(۹) است که اخص از تحقیقات مقدماتی و جزئی از آن است.

طبق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری در جرایم مشهود رأساً و در جرایم غیر مشهود با اجازه مقام قضایی اختیار انجام تحقیقات مقدماتی که می‌تواند بازجویی از متهم هم باشد را دارند. عدم صلاحیت بازجو باعث بی‌اعتباری عملیات خواهد بود (انصاری، ۱۳۸۰: ۴۳۱).



در جرایم قابل گذشت هر گونه رسیدگی و اقدامی منوط به شکایت شاکی خصوصی است. نکته‌ای که ضابط در این خصوص باید رعایت کند مستنبط از ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری آن است که قبل از هر گونه اقدامی باید بر وقوع جرم اطمینان پیدا کند و دلایل و مستندات قوی برای تعقیب وجود داشته باشد. اصل برائت تنها مختص مرحله دادگاه و صدور حکم نیست بلکه شروع تعقیب هر فردی منوط به وجود ادله کافی مبنی بر وقوع جرم و انتساب آن به اوست.



تحقیقات مقدماتی مانند سایر مراحل دادرسی کیفری است که ضابطین باید آن را محترم بشمارند. همان‌طور که برخی گفته‌اند، بر اساس آموزه‌های جرم‌شناختی به منزله یکی از ابزارهای عدالت کیفری در کنار متهمان سبب آموزش هنجارهای تقنینی و ارزش‌های اجتماعی بر بزه‌کاران و در نتیجه اصلاح و تربیت آنان می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۵).

۳-۲-۵- جلب و دستگیری^(۱۱)

جلب و دستگیری از دیگر اقداماتی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی در مواقع لزوم مظنون به طور موقت در اختیار ضابطین قرار می‌گیرد. در مکاتبات قضایی واژه دستگیری برای متهمین فراری یا متهمین در جرایم مشهود به کار می‌رود، در حالی که جلب به متهمین مستنکف از حضور نزد مقام قضایی گفته می‌شود.

طبق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از وظایف ضابطین جلوگیری از فرار متهم در جرایم مشهود است که گاهی انجام این وظیفه تنها با دستگیری متهم میسر است. قابل توجه است که دستور جلب در جرایم غیر مشهود توسط مقام قضایی به ضابطین دادگستری مجوز ورود به منزل نیست و نیاز به حکم جداگانه ورود به منزل دارد (تبصره ۳ ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری). کوتاهی در انجام این وظیفه موجب مسئولیت کیفری برای او خواهد بود (ماده ۵۴۸ قانون مجازات اسلامی). با مطالعه در قانون آیین دادرسی کیفری معلوم می‌شود ضابطین به دو شرط می‌توانند حداکثر ۲۴ ساعت متهم را بازداشت و نزد خود نگه دارند، یکی اینکه بازداشت متهم برای جلوگیری از فرار یا اخفا و تبانی

ماده ۱۹۵ قانون مذکور مقرر می‌دارد که سؤالات در مرحله بازجویی باید روشن و بدون ابهام و مرتبط با موضوع جرم باشد؛ زیرا متهم حق بهره‌مندی از شیوه‌های علمی و فنی بازجویی را دارد. بازجویی هنر و فن طرح سؤالات ماهرانه و قانونی از متهم به ارتکاب جرم به منظور کسب اطلاعات درباره جرم ارتكابی است. از این جهت فن است که قواعد فنی و علمی مانند روانشناسی در آن به کار می‌رود و از این جهت هنر است که با توجه به هر جرم و هر متهمی کاربرد آن توسط بازجو متفاوت است. هدف از بازجویی اخذ اقرار نیست بلکه به دست آوردن اطلاعات درباره جرم است. حق استفاده از وکیل برای بهره‌مندی از یک دادرسی منصفانه^(۱۰) از دیگر حقوق متهم در مرحله



با دیگران و امحا آثار جرم باشد و دوم اینکه برای تکمیل تحقیقات بازداشت متهم ضروری باشد. بازداشت در جرایم غیر مشهود که ضابطين به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی قبل از دخالت مقام قضایی صلاحیت بازداشت متهم را ندارند.

۳-۲-۶- ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی

ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از وظایف ضابطين را ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی می‌داند. ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص این وظیفه مقرر می‌دارد: «تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی، نظامی، مقامات و مستخدمان، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود مکلفاند دستور قضای اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی که مرتبط با اجرای آن است رعایت کنند. متخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردد».

۳-۲-۷- حفظ آثار و دلایل جرم اقدامات لازم به منظور حفظ آثار و دلایل جرم از قبیل انجام معاینه محل، بررسی صحنه جرم، جمع‌آوری دلایل، تفتیش اماکن و اشیاء، ضبط آلات جرم، تحقیقات محلی، استماع شهادت شهود.

۳-۲-۸- اجرای احکام دادگاه

بر طبق ماده ۴۹۶ آیین دادرسی کیفری، ضابطين مکلفاند دستور قضای اجرای احکام در مقام اجرا را رعایت کنند؛ حال ممکن است قصاص اعدام، قطع عضو، و سایر مجازات‌ها باشد.

۳-۲-۹- شماره گذاری اوراق پرونده

طبق ماده ۵۹ آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره گذاری نمایند، در صورت مجلسی که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند، تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند. تبصره- رعایت مفاد این ماده در خصوص شماره گذاری اوراق پرونده توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه، الزامی و تخلف از آن موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است».

۳-۲-۱۰- اعلام دستگیری

اعلام دستگیری متهم در خارج از وقت اداری به مقام قضایی؛ طبق ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هر یک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد».

۳-۲-۱۱- انجام تحقیقات مدنظر مقام قضایی

در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد،

ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

۳-۲-۱۲- ابلاغ احضاریه بدون استفاده از لباس رسمی

این ابلاغ با توجه به الکترونیکی شدن ابلاغ‌ها در عمل کارایی خود را از دست داده است؛ اما در مواردی که امکان ابلاغ الکترونیکی نیست بایستی شرایط مقرر در ماده ۱۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری رعایت شود و مأموران بدون استفاده از لباس رسمی و صرفاً با ارائه کارت شناسایی ابلاغ احضاریه را انجام دهند.

۳-۲-۱۳- عدم امکان تفهیم اتهام به متهم

طبق ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

۴- آسیب‌ها، چالش‌ها و راهکارها

در خصوص ارائه راهکارها و راهبردها باید بیان داشت که ما باید در ابتدا آسیب‌شناسی‌هایی را از عملکرد ضابطين داشته باشیم. گاهی آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌های ناشی از عملکرد و آسیب‌های سازمانی ناشی از عملکرد متفاوت است. می‌توان نگاهی دیگر هم داشت، گاهی عملکرد ضابطين از لحاظ آسیب‌های ناشی از محیط و بعد جغرافیای، بافت و ساختار اجتماعی محل خدمت آنان نیز قابل بررسی و تحلیل می‌باشد.



۴-۱- آسیب‌های موجود

- ۱- تأثیر مسئولین و سلسله مراتب فرماندهی بر ضابطین؛
 - ۲- دخالت غیرقانونی مسئولین فاقد تخصص بر روند تحقیقات مقدماتی؛
 - ۳- ناآگاهی از الزامات و محدودیت‌ها در روند تحقیقات مقدماتی؛
 - ۴- عدم استقلال ضابطین با توجه به رویکرد نامتقارن اطاعت محض افراد از سلسله مراتب فرماندهی؛
 - ۵- ضعف در برخی مواد قانونی در خصوص گسترش اختیارات ضابطین، مانند بازداشت‌های موقت، بازرسی‌ها و گزارش‌های ارسالی به مقام قضایی؛
 - ۶- غیرمستمر، تکراری و ناکارآمد بودن و کوتاهی دوره‌های آموزش ضابطین؛
 - ۷- آسیب‌های ناشی از امکانات و عدم استفاده از فناوری‌های الکترونیکی؛
 - ۸- مناسب نبودن مکان بازجویی‌ها و عدم استفاده از ابزار صوتی و مخابراتی در اغلب موارد؛
 - ۹- ورود افراد فرصت‌طلب و سودجو و تأثیر آنها در پرونده‌ها و گزارش‌های ضابطین؛
 - ۱۰- جذب غیر هدفمند ضابطین و ضعف بنیه علمی آنان؛
 - ۱۱- ناآشنایی با حقوق شهروندی و در نهایت نقض حقوق شهروندان در حین انجام وظیفه توسط ضابطین؛
- #### ۵- راهبردها و راهکارها
- ۱- نقش ضابطین به قدری مهم است که در صورت نپرداختن به آن موجبات بروز بی‌نظمی و ناهنجاری متعدد در سیستم قضایی و نقض حقوق شهروندی را فراهم می‌کند، قانون‌گذار به اهمیت و چالش مذکور پی برده است، به گونه‌ای که در ۳۵ ماده از قانون آیین دادرسی کیفری به این امر پرداخته است. در صورتی که در قانون اصول محاکمات جزایی

مصوب ۱۲۹۰ و قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۸ صرفاً در ۱۰ ماده به نقش ضابط پرداخته شده است. قانون‌گذار تحولات نوینی را در زمینه ضابطین در قانون جدید انجام داده است. ذکر و تقسیم انواع ضابطین و شرایط احراز آنان از این موارد است. ضمانت اجرای پیش‌بینی شده تا حدودی چالش‌هایی را که ممکن است ضابطین در نقض حقوق شهروندی به وجود بیاورند بیان کرده است؛ اما به نظر می‌رسد ضمانت اجرای در خصوص تخلف ضابطین در این قانون باید بدون تسامح نسبت به متخلفین اعمال شود تا ضابطین نسبت به اجرای این قانون احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند و اجرای مر قانون می‌تواند بازدارندگی خود را نشان داده و از نقض آن جلوگیری کند.

۲- احراز صلاحیت ضابطین نیز بایستی به طور مستمر مورد بررسی قرار گیرد. کارت ضابطینی که فاقد صلاحیت هستند باطل شود. با توجه به اینکه ضابطین به دلیل رویارویی با حقوق عامه مردم در معرض این حقوق هستند گاهی یک گزارش خلاف واقع یا یک صورت‌جلسه کذب توسط آنان علاوه بر تضییع حقوق عامه موجبات ایجاد چالش‌هایی برای نظام عدالت کیفری و در نتیجه صدور آراء غیرعادلانه می‌شود.

۳- مقام قضایی نباید صرفاً هر گزارشی که ضابط ارائه می‌دهد را بپذیرد، بلکه باید به درستی آن پی برده و تحقیق و کنکاش لازم را در این خصوص انجام دهد. در این مورد به نظر می‌رسد داشتن دستیار قضایی برای رسیدگی به صحت سقم گزارشات ضابطین با توجه به کثرت کار مقام قضایی راهکاری مناسب باشد.

۴- تشکیل پلیس قضایی نیز می‌تواند راهبردی در جهت نظام‌مند کردن و استقلال ضابطین در پیشبرد نظام عدالت کیفری باشد که در این خصوص لایحه پلیس قضایی جا دارد هرچه سریع‌تر مورد نظر مسئولان محترم قوه قرار گرفته و نسبت به آن تعیین تکلیف شود.

۵- آموزش ضابطین و مدیریت آنان و دوره‌های آموزشی پیوسته و برنامه‌ریزی شده و استقلال ضابطین با توجه به رویکرد نامتقارن اطاعت محض از فرماندهی می‌تواند پویایی سیستم قضایی را همراه داشته باشد.

۶- فراهم نمودن موجبات دسترسی آسان ضابطین به مقام قضایی یا دادستان جهت ارائه گزارش‌ها و چالش‌های موجود در پرونده‌های مهم و حمایت مناسب از ضابطین در مقابل اعمال فشار سایرین توسط دادستان.

۷- تخصیص کردن ضابطین و عدم واگذاری مأموریت‌ها به ضابطین غیرمتخصص.

۸- افزایش دانش قضایی با برگزاری دوره‌های متداول و پیوسته.

۹- با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از مشکلات ارتباطی با مراجع قضایی در فرآیند گزارش‌نویسی نامناسب است، آموزش دقیق زیر نظر دادستان می‌تواند در این زمینه گره‌گشا باشد.

۱۰- به کارگیری ضابطین فنی و کارا و تربیت و آموزش بازجو با توجه به اینکه بازجویی به یقین بخش جدایی‌ناپذیر تحقیقات مقدماتی است که توسط ضابطین انجام می‌گیرد، مهم‌ترین مسئله در تحقیق و تفحص معتبر و عینیت گراست. تربیت و آموزش بازجویی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

۱۱- اهمیت نظارت بر عملکرد ضابطین

دادگستری به عنوان جبهه مقدم دستگاه عدالت کیفری می‌طلبد که علاوه بر نظارت عام مقام قضایی بر عملکرد ضابطین، نهادهای خاص نیز وظیفه اعمال نظارت غیر قضایی بر این افراد داشته باشد؛ مثلاً نظارت سازمان بازرسی کل کشور با توجه به وظیفه

عام نظارتی و کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی (مجلس شورای اسلامی) با توجه به اینکه مرجع دریافت شکایات از نهادهای دولتی است می‌تواند مؤثر باشد. در مورد ضابطین عام این مهم با توجه به تفسیر قوانین و نظریه دکترین مقدور نیست؛ اما در خصوص ضابطین

خاص تا حدودی می‌تواند اعمال شود. ۱۲- تقویت روحیه قانون‌مداری در ضابطین و ایجاد مشوق‌هایی بر ضابطین. ۱۳- عدم دخالت مسئولین فاقد تخصص بر روند تحقیقات در سلسله‌مراتب فرماندهی با توجه به رویکرد اطاعت محض.

برآمد

ضابطین دادگستری خصوصاً ضابطین عام (نیروی انتظامی) به تناسب وظایفی که بر عهده دارند با جان، مال و حیثیت اشخاص جامعه در ارتباط هستند. قانون آیین دادرسی کیفری وظایف و اختیارات ضابطین عام و خاص را مشخص کرده است. آنچه مهم به نظر می‌رسد حوزه این اختیارات و وظایف است. آموزش ضابط و شناخت حدود و ثغور وظیفه به یقین نقش اساسی در جلوگیری از مسائل و چالش‌هایی دارد که می‌تواند در حیطه خدمتی او شکل بگیرد. شناخت وظایف نسبت به مقام قضایی، فرماندهان، مافوق، متهم و شاکی بسیار مهم است؛ اگر ضابط وظایف خود را در برابر مقام قضایی، طرفین دعوا، شهود و کلا بشناسد در روند رسیدگی (تعقیب، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ، بازداشت، جلب و...) کمتر دچار خطا و آسیب می‌شود. آسیب‌های متعددی در روند رسیدگی می‌تواند گریبان‌گیر دستگاه عدالت کیفری باشد. ضابطین به عنوان بازوان دستگاه عدالت کیفری یکی از نقش‌های اساسی در روند رسیدگی‌های قضایی را دارند؛ گاه یک گزارش خلاف واقع علاوه بر تضییع حقوق دیگران منجر به تغییر در روند رسیدگی به پرونده شده و با صدور آراء ناعادلانه موجب چالشی برای دستگاه عدالت کیفری می‌شود. با بررسی و شناخت آسیب‌های ساختاری ناشی از عملکرد، آسیب‌های سازمانی، آسیب‌های اجتماعی در حیطه وظیفه ضابطین می‌توان تا حدود وسیعی از ایجاد چالش برای دستگاه قضایی توسط ضابطین جلوگیری کرد. راهکارهای مختلفی برای جلوگیری از ایجاد چالش‌هایی که ممکن است توسط ضابط شکل بگیرد وجود دارد؛ تخصصی کردن ضابط، افزایش دانش قضایی، به‌کارگیری ضابطین فنی و کارا، تشکیل پلیس قضایی، احراز صلاحیت ضابط در دوره‌های مختلف خدمتی، تقویت روحیه قانون‌مداری در ضابطین، ایجاد مشوق‌هایی برای ضابطین و... تا حدود وسیعی می‌تواند به پویایی دستگاه قضایی و صدور آراء عادلانه بینجامد.

پی‌نوشت‌ها

- ۵- انصاری، ولی اله، حقوق تحقیقات جنایی، تهران، دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی)، چاپ اول
- ۶- نیازپور، امیرحسین، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری جلوه‌ای از حقوق شهروندان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، ۱۳۸۶
- مقالات و رساله
- ۷- محقق داماد، سید مصطفی، قاعده تخذیر، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۵، سال دوم، ۱۳۷۱
- قوانین و مقررات
- ۸- اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۱
- ۹- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح ۱۳۷۹
- ۱۰- قانون اساسی
- ۱۱- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
- ۱۲- قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹
- ۱۳- قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح
- ۱۴- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳
- ۱۵- قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲
- ۱۶- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- ۱۷- قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
- ۱۸- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۹- قانون هواپیمایی کشوری ۱۳۲۸
- 1- Criminal Procedure
- 2- Police
- 3- Politia
- 4- The commander of the aircraft
- 5- Prosecutor
- 6- interrogator
- 7- Parlimantery immunity
- 8- Euqury
- 9- Questioning stage
- 10- fair trial
- 11- Summons

فهرست منابع

کتاب‌ها

- ۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲، چاپ ۹، تهران، ۱۳۸۶
- ۲- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، ج ۲، چاپ ۲، تهران، ۱۳۸۸
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ ۳، تهران، ۱۳۸۹
- ۴- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، چاپ ۱۲، تهران، ۱۳۷۷